



«نظریه ابتناء» مبنای متقن و منحصر برای تأسیس روش‌شناسی علم دینی است

آیت الله علی اکبر رشاد در کارگاه دانش افزایی نظریه علوم انسانی اسلامی در ارائه مقاله «نظریه علم دینی» گفت: نظریه ابتناء مبنای متقن و منحصر برای تأسیس روش‌شناسی علم دینی است.

آیت الله علی اکبر رشاد در کارگاه دانش افزایی نظریه علوم انسانی اسلامی در ارائه مقاله «نظریه علم دینی» گفت: نظریه ابتناء مبنای متقن و منحصر برای تأسیس روش‌شناسی علم دینی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله علی اکبر رشاد در کارگاه دانش افزایی «نظریه علوم انسانی اسلامی» که با حضور اعضای هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار گردید، به ارائه‌ی گزیده و گذرای نظریه‌ی مختار خود در «علم دینی» پرداخت.

مقدمه بیانات وی به مبادی تصویری نظریه اختصاص یافت و در ادامه به تبیین مبادی تصدیقیه‌ی نظریه اشاره نمود. در تبیین مبادی تصدیقیه‌ی نظریه وی نخست به ذکر مبادی وسیطه و قریبه‌ی علم دینی، در قالب بیان اجمالی انگاره‌هایی در باب «علم»، «دین»، و نسبت و مناسبات آن دو پرداخت و سپس انگاره‌های نظریه‌ی علم دینی را توضیح داد. در پایان نیز صورت‌بندی و بیان برابند مباحث دوگانه پیشین، در قالب یک «کلان‌نگره» (پسانگاره / برانگاره) که نظریه‌ی مختار وی را در بر دارد، مطرح گردید.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ابتدا به مفهوم‌شناسی کلمات کلیدی نظریه علم دینی پرداخت. بنا بر تعریف وی نظریه، عبارت است از: گزاره (یا گزاره‌های) حاوی مدعا (یا مدعاهای) منسجم مبتنی بر «مبنا» (یا مبانی) مشخص، برآمده از «منطق» معین، متکی بر «دلیل» (یا ادله) و مؤیدات موجه، که پذیرش آن موجب دگرگونی معتناهی در یک قلمروی علمی - معرفتی یا عملی - معیشتی می‌گردد.

وی با اشاره به اینکه هر نظریه مبتنی بر یک فرا نظریه است، «فرا نظریه» را چنین تعریف نمود: هر نظریه یا معرفتی، به مثابه یک «نگره» یا دستگاه نظری، بر ساخته بر / و برخاسته از «پیش‌پذیرفته‌ها»ی زیرساختی‌ست؛ از این پیش‌پذیرفته‌ها به مبادی آن نظریه یا معرفت، تعبیر می‌شود. مجموعه‌ی پیش‌پذیرفته‌های زیرساختی یک نظریه، «فرا نظریه‌ی» آن را تشکیل می‌دهند. از فرا نظریه‌ی یک علم، آن‌گاه که با حصول کمال و جامعیت، به یک کلان‌دستگاه معرفتی بدل گردد، می‌توان به «گفتمان نظری» (شاید معادل یا مشابه پارادایم) حاکم بر علم تعبیر کرد.

آیت الله رشاد در ادامه به طبقه‌بندی مبادی علم اشاره نمود و افزود: پیش‌پذیرفته‌های نظری زیرساختی یک نظریه یا معرفت و علم، مبادی آن نامیده می‌شوند.

مبادی علم به سه لایه طبقه‌بندی می‌شوند:

1. مبادی قریبه و «انگاره‌ها»؛ که به دو لایه یا گونه‌ی «ممتزجه» و «غیرممتزجه» طبقه‌بندی می‌شوند؛ مبادی ممتزجه‌ی یک علم به آن دسته از مبادی اطلاق می‌شود که به دلایل معرفت‌شناختی یا روش‌شناختی یا به جهت دیگری، در خلال مسائل آن، مورد بحث قرار می‌گیرند.

2. مبادی وسیطه و «پیش‌انگاره‌ها»؛

3. مبادی بعیده و «فراپیش‌انگاره‌ها».

هر یک از سطوح سه‌گانه‌ی مزبور نیز می‌تواند مشتمل بر لایه‌های مختلف و ساحات گوناگون باشد. پیش‌پذیرفته‌های «هستی‌شناختی» (دربدارنده‌ی گزاره‌های مبدأشناختی نیز)، «ارزش‌شناختی»، «موضوع / متعلق‌شناختی»، «غایت‌شناختی»، و «معرفت‌شناختی» (دربدارنده‌ی ساحت منبع‌شناختی و روش‌شناختی نیز)، مبادی اصلی علم دینی را تشکیل می‌دهند.

نظریه‌پرداز «منطق فهم دین» با اشاره به اینکه پیش‌پذیرفته‌های ماهیت‌ساز یک علم را با دو رویکرد می‌توان بررسی کرد، افزود: در رویکرد پیشینی سخن از پیش‌انگاره‌ها و انگاره‌های معرفتی - نظری آن علم به میان می‌آید و در رویکرد پسینی بخش عمده‌ی مباحث فلسفه‌ی مضاف به آن علم، به بحث نهاده می‌شود.

آیت الله رشاد همچنین با بیان اینکه برخی عناصر و پیش‌پذیرفته‌های دیگری نیز وجود دارند که هرچند نقشی در ساخت ماهیت نظریه‌ی علم دینی و مدعیات اصلی آن ندارند، اما آنها نیز قبل از نظریه باید بررسی و پیشاپیش تلقی به قبول شده باشند تا سخن‌گفتن از علم دینی روا گردد، از آنها به «پیرانگاره‌ها»ی علم تعبیر نمود. مثلاً در مورد «نظریه‌ی علم دینی»، عناصری چون «امکان» و هستی‌پذیری علم دینی، «جواز» علم دینی، «فایده‌مندی» علم دینی، و «ضرورت» علم دینی، از آن زمره‌اند.

وی با توجه به نکات پیشین «نظریه علم دینی» را کلان‌نگره‌ای متشکل از مجموعه‌ای از گزاره‌های معتبر دینی در پاسخ به پرسش‌های اساسی درباره‌ی «علم دینی» که پذیرش آن، منشأ آثار گسترده‌ای در قلمروی معرفت دینی و معیشت انسانی می‌گردد، دانست.

آیت الله رشاد، در ادامه «علم» را «معرفت دستگاهوار» متشکل از «مجموعه‌ی قضایا یا قیاسات سازوار» دارای «محور مشترک»

برساخته بر «مبادی» مشخص منسجم و برخوردار از «منطق موجّه» که برای دستیابی به «غایت معین» یا «غایات همساز»، «صورت‌بسته» باشد، دانست و «دین» را دستگاه جامع معرفتی - معیشتی‌ای که از سوی مبدأ هستی و حیات، برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی آدمیان، الهام و ابلاغ شده است، تعریف کرد. همچنین از دیدگاه وی «معرفت دینی» معرفت حاصل از سعی موجّه برای شناخت دین و کشف / فهم گزاره‌ها و آموزه‌های دینی است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی مؤلفه‌های رکنی علم را به «عناصر سازنده‌ی ماهیت یک علم» که بالمباشره در تگون آن نقش‌آفرینند، تعریف نمود و مؤلفه‌های رکنی علم را عبارتند از: «مبادی»، «موضوع»، «مسائل»، «منطق» و «غایت» آن دانست. به مقتضای نظریه‌ی «تناسق مؤلفه‌های رکنی»، وحدت و تمایز علم، تک‌ساحتی نیست، و علم‌انگاشتی مجموعه‌ای از مسائل انباشته، در گرو همسازی، بلکه همسانی همه‌ی مؤلفه‌های رکنی دستگاه متشکل از آنهاست؛ پس نمی‌تواند یک یا چند مؤلفه‌ی یک علم با دیگر مؤلفه‌های آن ناسازگار باشد. وی همچنین از «عناصر هویت‌ساز» علم، به «مشخصه‌های علم» تعبیر نمود. «هویت وجودشناختی» (مانند حقیقی یا اعتباری بودن)، «هویت معرفت‌شناختی» (مانند معرفت درجه‌ی اول یا دوم بودن)، «هندسه‌ی معرفتی» (حاق و حاشیه‌ی بافتار معرفتی)، «هندسه‌ی صوری» و چیدمان، «قلمروی کارکردی»، و «نسبت و مناسبات» (مانند اصلی یا آلی بودن) هر علمی را، در زمره‌ی مشخصه‌های آن به شمار می‌آید.

آیت الله رشاد با تأکید بر تعاریف ارائه شده از «علم» و «دین»، «علم دینی» را معرفت دستگاهوار متشکل از قضایای معطوف به مطالعه‌ی یک موضوع حقیقی یا اعتباری که بر اساس مبادی معرفتی و منطق موجه دینی، از منابع معتبر، استنتاج یا استنباط شده باشند، دانست. از آنجا که این تعریف مبتنی بر «نظریه تناسق» ارائه شده است، در نتیجه: هر علمی، یا همه‌ی مؤلفه‌های آن دینی است، یا آن علم، بمعنی الکلمه، دینی و بسا علم نیست.

عضو هیئت علمی گروه منطق فهم دین پژوهشگاه در ادامه این بحث به تبیین هر یک از فقره‌های تعریف علم دینی پرداخت و پس از آن با توجه به متغیرهای مختلف، معطوف به مؤلفه‌های دخیل در مطلوبیت و اسلامیت علوم انسانی، تعبیر زیر را، به‌عنوان تعریف این گروه‌دانش، پیشنهاد نمود: «طیفی از معرفت‌های دستگاهوار متشکل از قضایای تبیینی، یا تکلیفی، یا تحسینی معطوف به یکی از ساحات تعلق مواجهه‌های جوانحی و جوارحی انسان، در جهت تکامل نفوس و تعالی حیات آدمی، مبتنی بر مبادی نظری اسلام، و بر اساس معرفت‌شناسی واقع‌گرای دینی، که با کاربست منطق اکتشافی دیالکتیک - دینامیکال، فراچنگ آمده باشد».

آیت الله رشاد درباره نسبت و مناسبات علم و دین با هم افزود، ابتدا تذکر دو نکته ضروری است: اول آنکه نظریه‌ی علم دینی مختار، برساخته بر نظریه‌های پذیرفته یا پیشنهادی بنده در ساحات مرتبط است که انگاره‌هایی همچون موارد زیر از جمله‌ی آنها‌یند: نظریه‌ی «نظام احسن»؛ نظریه‌ی «معرفت‌شناسی واقع‌گرای دینی»؛ نظریه‌ی «همگویانندگی هم‌افزایانه»ی ابزارهای دینی معرفت و انکشاف دیالکتیک - دینامیکال معرفت دینی؛ نظریه‌ی «تناسق ارکان» و «گرانیگاهمندی مانعة‌الخلو»ی علم؛ «الگوهای طبقه‌بندی علوم»؛ «معیار علم دینی»، و مهم‌تر از همه «نظریه‌ی ابتناء» که شرح آنها در این کارگاه میسر نیست.

دیگر آنکه صورت کامل این بحث از رهگذر مقایسه‌ی اهم گزاره‌های مبنا در باب عناصر ماهوی هر یک از دو مقوله‌ی علم و دین (= ارائه‌ی دسته‌بندی و طبقه‌بندی ماهوی اهم گزاره‌های مربوط به آن دو و بیان اشتراکات و افتراقات و نسبت آنها با همدیگر، بر اساس احکام کلی پذیرفته‌شده در دانش‌های فلسفه‌ی علم و فلسفه‌ی دین، درباره‌ی علم و دین) فراچنگ می‌افتد.

اما درباره نسبت و مناسبات دین و علم می‌توان این نکات اشاره نمود:

1. در بحث از مسئله‌ی «ارتباط علم و دین»، باید نخست مشخص شود: مراد، نسبت و روابط «کدام علم» با «کدام دین» است؟ زیرا در این دست مسئله‌ها، پرسش مطلق، رهن، بلکه غلط است، و لامحاله پاسخ به پرسش غلط، هر چه که باشد، غلط خواهد بود. در این مقال ما در مقام سنجش علم و دین بر اساس تعاریف پذیرفته یا پیشنهادی خویش هستیم.
2. دین «نفس الامر» و نیز «معرفت دینی صائب» (متخذ از منابع معتبر و متکی به منطق موجه) عبارت‌اند از قول یا مقول قول الهی؛ علم و «معرفت علمی صائب» در قلمرو طبیعی و انسانی نیز کاشف و حاکی از فعل و «مشیت متحقق» الهی‌ست، پس این دو نمی‌توانند متعارض باشند، بلکه با همدیگر «تلائم» تام و تطابق گسترده‌ای دارند.
3. تعارض میان معرفت دینی بالمعنی الاعم، با معرفت علمی بالمعنی الاعم، محتمل است.
4. تفاوت‌هایی میان گزاره‌های عقیدتی دینی و گزاره‌های علمی دینی، وجود دارد، از جمله اینکه: گزاره‌های عقیدتی، قضایایی هستند که ذاتاً و بالمباشره متعلق ایمانند، گزاره‌های علمی، قضایایی هستند که ذاتاً و بالمباشره متعلق ایمان دینی نیستند.
5. دین، در قلمروهای «مبانی» و «بناها»ی علوم، «معرفت‌زا»، «منبع‌ساز»، «استنتاجگر منابع معرفت»، «منطق‌پرداز»، «داور و سنجشگر» است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه به پنج نکته درباره علم دینی اشاره نمود:

1. با توجه به تعاریف علم و دین و نسبت و مناسبات بین آنها، علم دینی بالمعنی الاعم، نه تنها ممکن و مجاز است، بلکه مطلوب و حتا علم دینی مربوط به پاره‌ای از حوزه‌ها و موضوعات، بالجمله یا فی‌الجمله، هم‌اکنون محقق است.
2. به لحاظ اشتراکات و قرابت‌های علوم طبیعی و انسانی، در مبادی، موضوع، منطق، منابع، و غایت، تفاوت معنی‌داری میان این دو گروه‌دانش از نظر انتساب به دین و کارکرد دینی آنها وجود ندارد. البته گسترده‌تر بودن داده‌های مستقیم دین در حوزه‌ی علوم انسانی در قیاس با علوم طبیعی قابل انکار نیست، و بدین‌جهت حضور دین [بالمعنی الاخص = داده‌های نقل] در عرصه‌های علم انسانی گسترده‌تر است (و نه ژرف‌تر)؛ به تعبیر دیگر: تفاوت در گستره و کمیت است نه ماهیت و کیفیت.

3. بر اساس نظریه‌ی تناسق، نمی‌توان به طرز گزینشی با علم برخورد کرد، پس دانش یا اسلامی است یا نیست، از این‌رو علم سکولار، فاقد قابلیت «تهذیب» و «اسلامی‌سازی» است.

4. بر اساس الگوی معرفت‌شناختی مختار، علم دینی، معرفتی واقعگراست.

5. علم دینی معرفتی آزمون‌پذیر است: رهیافت‌های گوناگونی برای سنجش صحت علم دینی وجود دارد. از جمله‌ی آنها می‌توان هشت رهیافت زیر را نام برد:

یک: سنجش از نقطه‌نظر تلائم برداشت‌ها و دریافت‌ها، با فطرت و عدم تنافر آن با طبع سلیم.

دو: عدم تعارض برداشت‌ها و دریافت‌ها، با احکام قطعی عقل.

سه: سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، با سیره‌ی مستمره و متصله‌ی عقلاء (که مورد تنفیذ معصوم قرار گرفته است).

چهار: سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، با اصول جهان‌شناختی و انسان‌شناختی دینی.

پنج: سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، با محک‌های وحیانی.

شش: سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، با مذاق شارع و مقاصد شریعت.

هفت: سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، با ارتکاز مسلمین.

هشت: سنجش برداشت‌ها و دریافت‌ها، از نقطه نظر کارآمدی

آیت الله رشاد سپس به مختصات پنج مؤلفه علم دینی اشاره کرد و افزود: علم دینی بر مبادی و اصول سه‌گانه‌ی زیر زیر مبتنی است:

الف) اصول مبدأ هستی - جهان‌شناختی علم دینی

1. اصل واقع‌مندی جهان؛
2. اصل توحیدبنیادبودن هستی و خالقیت/ مالکیت/ و حاکمیت ذاتی الهی در تکوین؛
3. اصل جریان نظام احسن بر جهان؛
4. اصل هدفداری و غایت‌مندی آفرینش؛
5. اصل ترابط عرضی و ترتب طولی هستی و هستومندان (سامانه‌ی فراگیر «هرم - شبکه» علل - معلول).

ب) اصول مبدأ «معرفت - منبع‌شناختی» علم دینی:

موارد زیر از جمله پیش‌انگاره‌های «معرفت - منبع‌شناختی» علم دینی است:

1. اصل انکشاف‌پذیری جهان؛
2. اصل چندگانگی مجاری و ابزارهای معرفت؛ منابع معتبر «دین» حق و «علم» معتبر، به طور موازی و مشترک عبارتند از: فطرت سلیم، عقل غیرمشوب، وحی، سنت معصوم، و شهود صائب.
3. اصل برابردارگی معرفت: علم، برابند نقش‌آفرینی «شناختگر»، «شناخته» و «پیراشناخت‌ها» است.
- پیراشناخت‌ها عبارت‌اند از: «هر آنچه که به نحو عارضی و خارج از ذات "شناختگر" و "شناخته"، نقش ایجابی یا سلبی در فرایند تکون معرفت ایفا می‌کند». (پیراشناخت‌ها تقسیم می‌شوند به: منابع [شناخت‌جوش‌ها]، معدات [شناخت‌یارها]، موانع [شناخت‌شکن‌ها]، و معیارها [شناخت‌سنج‌ها]).
4. اصل بایستگی تناسب «شناخته» و «ابزار شناخت»؛
5. اصل صدق و کذب‌پذیری گزاره‌های علمی.

ج) مبدأ «ارزش‌شناختی» علم دینی: چون از سویی مجاری معرفت صائب همگی منتهی به ساحت سبحانی‌اند، و منبع حقیقی علم، بارگاه باری و علت فاعلی آن حق تعالی است؛ از سوی دیگر: موضوع / متعلق علم، فعل الهی‌ست؛ از سوی سوم: علم صائب حاکی از ذات و صفات یا مشیت تکوینی و تشریعی الهی‌ست و از سوی چهارم: غایت علم استکمال نفوس و تعالی حیات انسان‌هاست، پس علم، ارزشمند و بلکه ارزش‌پرداز است.

وی همچنین درباره مختصات «موضوع / متعلق» علم دینی گفت: با توجه به تقسیم علم دینی به سه گروه «لاهوتی»، «طبیعی»، و «انسانی»، موضوع علم دینی گسترده و متنوع است؛ موضوع علوم لاهوتی، ذات و صفات الهی‌ست، و متعلق مطالعه‌ی علوم طبیعی و انسانی، خلق و امر الهی است.

درباره «مسائل» علم دینی نیز باید گفت به تبع تنوع موضوع انواع علم دینی، مسائل آن نیز متنوع می‌باشد.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره مختصات مؤلفه چهارم علم دینی یعنی «منطق» علم دینی افزود: علوم، نوعاً دارای دو فرایند روشگانی‌اند:

- فرایند روشگانی‌ای که منتهی به تولید آن علم شده است؛

- فرایند روشگانی‌ای که برای حل مسئله از سوی آن علم به کار می‌رود.

بحث از روش حل مسئله در هر علمی جزء مسئله‌های خود آن علم است. کژیه‌ها و کاستی‌های منطق به کار رفته در علم یا نادرستی کاربرد منطق متقن در فرایند کشف، موجب وقوع خطا (و عدم صدق و تطابق) در تشخیص موضوع یا محمول قضایای علم می‌شود.

از نظر بنده، نظریه‌ی ابتناء، مبنای متقن، بلکه منحصر برای تأسیس روش‌شناسی علم دینی است.

بر اساس نظریه‌ی ابتناء: «معرفت دینی (نیز علم دینی) برابند فرایند تأثیر - تعامل متناوب - متداوم مبادی خمسه‌ی دین، به عنوان پیام الهی است»، و در صورت تحصیل تلقی صائب و جامع از این مبادی و کاربرست درست و دقیق آنها و پیشگیری از

دخالت متغیرهای ناروا، می‌توان به کشف صائب و جامع حقایق دست یافت.

آیت الله رشاد در خاتمه بحث اشاره کرد: علم دینی (اعم از لاهوتی، طبیعی و انسانی) بر اساس نظریه‌ی مختار، دستگاه معرفتی است «آمیخت‌ساختگان» (به لحاظ منابع و منطق)، «واقع‌گرا»، «واقع‌نما»، «آزمون‌پذیر»، «اخلاق‌ور»، «سعادت‌بخش»، و (هرچند به لحاظ گزاره‌ها، خطاپذیر باشد) به جهت مبانی، منابع، موضوع و مقصد «مقدس» است.

پس از بیانات آیت الله رشاد، جلسه پرسش و پاسخ پیرامون مباحث مطرح شده برگزار شد که خبر تکمیلی آن متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد.